ادامه از صفحه اول

اروپا و آینده برجام

از این منظر، موضع اروپا به‌طور منطقی باید استقبال از تصمیم بازگشت آمریکا به برجام باشد. باوجوداین در ارزیابی موضع اروپا باید همه جوانب مدنظر قرار گرفته و نباید دچار اشتباه محاسباتی شد. شرایط ایران، منطقه و جهان در مقایسه با پنج سال قبل که توافق هسته‌ای پس از ۲۲ ماه مذاکرات نفس‌گیر به نتیجه رسید، با دگرگونی‌های چشمگیری مواجه شده است.در پرتو شرایط جدید حاکم بر منطقه و جهان پیش‌بینی می‌شود:

اولا، بایدن در مقایسه با سلف خود، اوباما، در دور جدید مذاکره نقش بیشتری به متحدان اروپایی آمریکا خواهد داد تا از این رهگذر برخی از مطالبات خود برای افزایش قدرت چانه‌زنی از زبان اروپا مطرح شود.

دوم، اسرائیل با ناکامی در جلوگیری از بازگشت آمریکا به برجام، فشارهای خود را بر سه کشور اروپایی متمرکز خواهد کرد. توانمندی اسرائیل در این راهبرد با پشتوانه «مصالحه عربی- اسرائیلی» و جذابیت اقتصادی کشورهای ثروتمند عربی برای شرکت‌های اروپایی، قدرت لابی این رژیم نزد کشورهای اروپایی را افزایش خواهد داد.

سوم، مواضع مشترک دولت جدید آمریکا و سه کشور اروپایی درباره «تحولات منطقه، توانایی موشکی و مسئله حقوق بشر» پاشنه آشیل دور جدید مذاکرات خواهد بود. ایران در قبال دو مورد اول از موضعی قوی و از قدرت چانه‌زنی بالایی برخوردار است و نباید هراسی در ورود به این موضوعات داشته باشد. به رغم رویکرد مثبت ریاست محترم قوه قضائیه در موضوعات مربوط به حقوق شهروندی و اصلاح سازوکار رویه‌های قضائی متأسفانه هنوز شاهد اتفاقاتی هستیم که موضوع حقوق بشر در ایران را همچنان در افکار عمومی و مجامع بین‌المللی به‌شکل کاملا بارزی برجسته کرده و آن را در کانون توجه «مچ‌بگیران» قرار می‌دهد که سایه سنگین آن بر دور جدید مذاکرات را شاهد خواهیم بود. در همین راستا هماهنگی بیشتر معاونت حقوق بشر قوه قضائیه با وزارت امور خارجه، پرهیز از اقدامات عجولانه در اجرای احکام، گفت‌وگوی جدی با اروپا قبل از آغاز مذاکرات هسته‌ای در موارد زندانی‌های دوتابعیتی، حقوق بشر، حل‌وفصل نهایی پرونده فاجعه هواپیمای اوکراینی با حفظ کرامت قربانیان و تقاضاهای خانواده‌های آنان در زمره مواردی است که از وزن و نقش‌آفرینی «موضوعات دیگر» در مذاکرات هسته‌ای خواهد کاست.

چنان استاده‌ام پیش و پس «طعن»!

از همه تأمل‌انگیزتر، چرا این همه کل‌کل و کری‌خواندن و مچ‌گیری و طعن و گوشه کنایه در میان رده‌های اصلی مدیریت کشور، در سه قوه و پنج رکن و هفت ستون دیوان‌سالاری رایج است؟ این هجوم دامن‌گستر واژگان و ادبیات رسانه‌ای، از فراگیرترین رسانه انحصاری صداوسیما تا رسانه‌های نوشتاری نیمه‌جان و به‌ویژه شبکه‌های مجازی بی‌درو‌پیکر، از کجای این تاب‌آوری بیرون زده است؟! جز این است که فضای عمومی کشور را «هژمونی خشم و طعن» همچون بختک، تسخیر کرده است؟ ارزان‌ترین پزشک و آسان‌ترین روش برای درمان هر بیماری، آن است که نسخه‌اش «نشانه‌ها و سمپتوم‌ها و عوارض بیرونی» را هدف می‌گیرد: درمان علامتی! پماد پند اخلاقی و قرص مسکن توصیه به تاب‌آوری و بخور گرم و سرد وعده‌های سرخرمن و ماساژ مقایسه اوضاع اینجا با اوضاع وخیم‌تر جاهای دیگر دنیا! این هم شد، درمان درد؟ کاش ذره‌ای افاقه می‌کرد. فقط لج مردم را درمی‌آورد. درد آنان را عمیق‌تر و بی‌لجام‌تر می‌کند و سرانجام، نوبت به فینال این فرایند سه مرحله‌ای می‌رسد: ۱- نارضایتی (از پرسش‌های بی‌پاسخ‌مانده) ۲-خشم (از نسخه‌نویسی‌های ارزان و بی‌خاصیت) و ۳- ناسزا و طعن (به درست و نادرست، روا و ناروا به همه). کاش کسی آستین همت بالا می‌زد و با یک تحلیل محتوای علمی، از سخنرانی‌های مسئولان و تریبون‌داران تا رسانه‌ها و نیز بگومگوهای گسترده در شبکه‌های اجتماعی، فراوانی نمونه‌های «طعن» را در گفتمان کنونی روابط اجتماعی جامعه ایران، حال و مقال این برهه از تاریخ ایران می‌کاوید.

این‌همه پرحرفی‌ها کردم تا بر این نکته مهم تاکید کنم که «ماهی از سر گنده گردد، نی ز دم!» پروژه «طعن» به‌عنوان یک راه‌حل برای از میدان به‌درکردن دیگری -خواه در روابط اجزای حاکمیت باشد یا در رابطه حاکمیت و ملت- نه بخشی از راه‌حل بلکه دامچاله‌ای برای بازتولید مسئله‌های تازه است. تردید نکنید که طعن، نه حواس مردم را از مشکلات اساسی‌شان پرت می‌کند و نه آنان را به کارآمدی طرف‌های طعن، امیدوار. خیال نکنید با جدال تریبونی می‌شود جلب عواطف سیاسی کرد. این را به خودم و دیگر شهروندان ایرانی نیز می‌گویم: «چاره درد مشترک، طعن و ناسزا به این و آن نیست». نارضایتی و خشم، واکنش طبیعی به ناجوری احوال است اما طعن و ناسزا، حقانیت مطالبه را نیز به حاشیه می‌برد. افسوس که روح و روان ملت، در محاصره لشکر طعن - - است.

به قول خاقانی:

چنان استاده‌ام پیش و پس طعن
که استاده‌ست الف‌های اطعنا

مروری بر چگونگی حضور مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در انتخابات مجلس ششم

چرا آیت‌الله نماند؟

علی ایوبی: سالگرد درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نزدیک است و مرور کتاب منتشرشده از خاطرات سال ۷۶ او خالی از لطف نیست؛ سالی که آیت‌الله دولت را به سیدمحمد خاتمی تحویل داد و به کاخ مرمر رفت تا بر مجمع تشخیص مصلحت نظام تمرکز کند. سیاسیون اما به‌دنبال راهی بودند که این مرد سردوگرم‌چشیده دنیای سیاست را متقاعد کند برای مجلس ششم که قرار بود انتخابات آن در سال ۷۸ برگزار شود، نامزد شود. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات ۱۳ دی ۱۳۷۶ این‌گونه می‌نویسد: «آقای [عبدالله] نوری آمد و اصرار نمود که نامزدی برای مجلس[ششم] را بپذیرم». او دو روز بعد می‌نویسد که رضا امراللهی، از اعضای حزب کارگزاران سازندگی، به دیدنش آمده و گفته در جلسه حزب به این موضوع تأکید شده که ایشان برای مجلس ششم نامزد شوند. این حزب که ازسوی برخی وزرا و نزدیکان دولت سازندگی تشکیل شده بود، در اولین گام حضور جدی خود در عرصه سیاست، توانسته بود منتخبان خود را به مجلس پنجم بفرستد که شاخص‌ترین آنها فائزه دختر مرحوم هاشمی بود. کارگزاران در انتخابات دوم خرداد ۷۶ نیز از محمد خاتمی حمایت کرده بود و با این تجارب تلاش می‌کرد پدر معنوی حزب را نیز دوباره وارد پارلمان کند. دو روز بعد از ملاقات امراللهی با آیت‌الله و رساندن پیغام حزب، اعضای شورای مرکزی کارگزاران به ملاقات او می‌روند. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۳۷۶ این‌گونه می‌نویسد: «عصر [اعضای شورای مرکزی حزب] کارگزاران سازندگی، آقایان [محمدعلی] نجفی، [محسن] نوربخش، [مصطفی] هاشمی‌طبا، [رضا] امراللهی، [غلامحسین] کرباسچی، [عبدالله] نوری، [اسحاق] جهانگیری، علی [هاشمی‌بهرمانی]، فائزه [هاشمی‌بهرمانی]، [عطاءالله] مهاجرانی و اخوی محمد آمدند و درباره ثبت و رسمیت آن مشورت کردند. پیشنهاد رفتن من به مجلس [ششم] را داشتند».

آخرین روز بهمن ۷۸

انتخابات مجلس ششم در ۳۰ بهمن سال ۷۸ در حالی برگزار شد که فضای سیاسی کشور بعد از دوم خرداد تغییرات زیادی کرده بود. دولت اصلاحات به‌دنبال توسعه سیاسی بود و طرفداران دولت، برنده اولین دوره شوراهای شهر بودند. این روند باعث شد اصلاح‌طلبان که «حزب مشارکت» را تأسیس کرده بودند، خود را برای مجلس ششم آماده کنند و لیست بدهند. انتخابات داغی در راه بود و احزاب به‌دنبال فهرستی که بتوانند رأی مردم را به سمت خود بکشانند. حزب کارگزاران با سرلیستی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی آمده بود و جامعه روحانیت مبارز نیز که در آن دوران فعال‌تر از امروز بود و جناح راست را هدایت می‌کرد، علاوه بر مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، حسن روحانی، محمدرضا باهنر، جواد لاریجانی، احمد توکلی، غلامعلی حدادعادل و حتی محمود احمدی‌نژاد را در فهرست خود گنجانده بود. بااین‌حال، جناح چپ از آیت‌الله روی برگرداند و حتی نام او در فهرست مجمع روحانیون مبارز نیز به چشم نمی‌خورد.

انتخابات که برگزار شد، هرچند مردم به‌صورت لیستی رأی ندادند، اما این اصلاح‌طلبان بودند که اکثریت پارلمان را از آنِ خود کردند و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در تهران نفر سی‌ام شد. این پایان ماجرا نبود و اختلاف‌های وزارت کشور و شورای نگهبان باعث شد حدود سه ماه بعد این شورا فهرست جدیدی را از راه‌یافتگان به مجلس ششم ارائه کند که در آن مرحوم هشمی‌رفسنجانی به رتبه بیستم منتخبان تهران ارتقا پیدا کرده بود. آیت‌الله که پیش از ریاست‌جمهوری، ریاست مجلس را بر عهده داشت، این شانس را داشت تا دوباره به این جایگاه برگردد، اما انتقادهای اصلاح‌طلبان به تغییر منتخبان تهران و اختلافاتشان با آیت‌الله که در آن زمان به راست و میانه‌روها متمایل بود، باعث شد در نهایت ایشان پیش از تشکیل مجلس ششم، انصراف خود را از نمایندگی اعلام کند.

چرا برای مجلس ششم آمدم

سال ۸۳، مرحوم هاشمی‌رفسنجانی گفت‌وگویی با روزنامه «شرق» انجام داد و به ماجرای انتخابات مجلس ششم نیز اشاره کرد. او در این گفت‌وگو ابتدا از دلایل شرکت در انتخابات مجلس ششم گفت: «سه دلیل داشتم؛ یکی اینکه خارجی‌ها خیلی جدی سرمایه‌گذاری کرده بودند که نیایم. دوم اینکه اختلافات دو جریان به حدی رسیده بود که مرا نگران کرده بود که مجلس متشنجی داشته باشیم. فکر کردم اگر به مجلس بروم، می‌توانم جلوی تشنج را بگیرم. اگر من در مجلس ششم بودم، مجلس ششم به این شکل نمی‌شد که این‌قدر مشکل داشته باشد. می‌دیدم دو جناح در همه‌جا دارند به هم می‌تازند که برای مملکت بسیار ضرر دارد. فکر کردم اگر در مجلس باشم، حتی اگر رئیس مجلس نباشم، می‌توانم وزنه تعادل باشم. فکر کردم که می‌توانم مفید باشم».

آیت‌الله گفت که علاوه‌بر حزب کارگزاران، جریان راست و جامعه روحانیت مبارز نیز اصرار داشته که در انتخابات شرکت کند. هرچند سال‌ها بعد جناح راست آن زمان و اصولگرایان فعلی، راه خود را از آیت‌الله جدا کردند و اصلاح‌طلبان و هاشمی در کنار هم قرار گرفتند. مرحوم هاشمی نیز کم‌کم از جامعه روحانیت فاصله گرفت؛ اتفاقی که به‌مرور ازسوی ناطق‌نوری و حسن روحانی نیز تکرار شد.

مرحوم هاشمی به «شرق» گفته بود: «آخرین تصمیم خود را وقتی گرفتم که جلسه بود و آقایان شورای مرکزی روحانیت مبارز آخرین اصرار خودشان را به بنده کردند و مقاومت کردم و گفتم پیش رهبری می‌روم و با ایشان هم مشورت می‌کنم. با رهبری صحبت کردم و قدری که بحث کردیم، دیدم چاره‌ای جز حضور نیست. ایشان هم حضورم را لازم می‌دیدند. آقای خاتمی را قبل از این جلسه دیدم و گفتم: این فشارها روی من هست. ایشان گفتند: وجود شما می‌تواند مشکلات ما را کم کند و کمک زیادی به ماست. پس خواست رهبری، آقای خاتمی، اعضای شورای مرکزی روحانیت مبارز و دوستان دیگر از جناح‌های دیگر همین بود».

نمی‌خواستم نقطه اختلاف باشم

مهم‌ترین چهره‌ای که می‌تواند درباره این انصراف سخن بگوید، شخص آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی است که چند سال بعد در چند گفت‌وگو و مصاحبه به آن ماجرا پرداخت.

اردیبهشت سال ۸۰، یک سال از تشکیل مجلس ششم می‌گذشت که طیف اقلیت پارلمان که غلامعلی حدادعادل لیدری آنان را بر عهده داشت، به دیدار مرحوم هاشمی‌رفسنجانی رفتند. او در این جلسه گفت که نمی‌خواسته مانند انقلابیون دیگر کشورها تا همیشه در قدرت بماند، اما اوضاع عوض شد.

مرحوم هاشمی گفته است: «کار به جایی رسیده بود که به من گفتند چاره‌ای نیست و تکلیف است و من عهد خود را شکستم؛ منتها در حد مجلس. بعد دیدید که واقعا تحمل نمی‌شد. صحبت یک یا دو نفر نبود. با اینکه بعد طبق نتیجه انتخابات، نماینده بودم، احساس کردم اگر به مجلس بیایم، به‌جای اینکه یک عنصر مفید باشم، تبدیل به یک نقطه اختلاف در مجلس می‌شوم. اگر الان بین دو جریان دعوا است، ممکن بود سه جریان شود. بعضی از آقایان آمدند و اصرار هم کردند. من بررسی کردم و خدمت رهبری هم صحبت کردم. دلم نمی‌خواست بعد از اینکه ایشان اعلام کرده بودند که انتخابات باطل نیست، بگویم به مجلس نمی‌روم. با خودشان صحبت کردم و استدلال‌هایم را پذیرفتند».

دو سال بعد، او با روزنامه جام‌جم متعلق به صداوسیما مصاحبه و دلیل سکوتش بعد از انصراف از نمایندگی را این‌گونه توصیف کرد: «دو، سه دلیل دارد؛ یکی اینکه بعد از ریاست‌جمهوری از لحاظ نظری به اینجا رسیده بودم که میدان را قدری خالی کنیم تا نیروهای جوان با افکار جدید وارد صحنه شوند. ذاتا قبول ندارم که افرادی مثل من کارگردان باشند؛ مگر اینکه مجبور باشیم. در انتخابات گذشته مجلس، تقریبا مرا مجبور کردند که وارد شدم». هاشمی ادامه داد: «البته امیدوار بودم وقتی آمدم، محوری برای جلوگیری از مشاجرات جدی باشم. وقتی وارد شدم، دیدم جبهه سومی باز می‌شود. چون حاضر نبودم یکی از دو جریان را به صورت مطلق برگزینم، قطعا جناح سوم می‌شدم».

آیت‌الله به گفته خود این‌بار نیز مصلحت نظام را در نظر گرفته بود: «هرچه که بتوانیم مشاجرات را کم کنیم، به کشور خدمت کرده‌ایم. مطمئنم اگر بخواهم در این مسائل به‌صورت صریح اظهارنظر کنم، جبهه جدیدی باز می‌شود. منطقا مایل نیستم که جبهه‌ها را در مشاجرات داخلی بیشتر کنم. باید سعی کنیم بیشتر از اتحاد باطنی، در ظاهر خود را متحد نشان دهیم؛ گرچه اختلاف همیشه بوده و خواهد بود و عیبی هم ندارد. به‌هرحال برای پرهیز از اینکه من هم به التهاب جامعه کمک کنم، در مسائلی حرف نمی‌زنم».

سال ۸۳، مجلس ششم با همه اتفاق‌ها و جنجال‌ها به کار خود پایان داد. یک سال بعد، اصلاح‌طلبان نیز باید دولت را تحویل می‌دادند؛ این‌بار نیز باز آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی وارد میدان شد تا نگذارد اختلاف‌ها باعث انحراف شود. او در اردیبهشت سال ۸۴ وقتی در ساختمان وزارت کشور برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام می‌کرد، با پرسش خبرنگاران درباره مجلس ششم مواجه شد و این‌گونه پاسخ داد: «من آن را تلخ نمی‌دانم، آن هم یک تجربه سازنده بود».

حامیان آیت‌الله از مراسم تشییع او هم استفاده سیاسی کردند

بازهم مؤسسه امام خمینی حاشیه‌ساز شد

آنها حتی مراسم درگذشت مراد خود را هم دستاویز سیاسی‌بازی قرار دادند؛ اتفاقی که در حاشیه خاک‌سپاری محمد یزدی نیفتاد، ولی در مراسم تشییع مصباح‌یزدی رخ داد. اگرچه اتفاق جدید نیست و قم در سال‌های اخیر به مرکزی برای رفتارهایی این‌چنینی بدل شده است، اما به نظر می‌رسد همان‌ها که در بهمن سال ۹۱ علیه لاریجانی شعار دادند و سخنرانی او را برهم زدند و در سال‌های گذشته تحرکاتی مشابه آن را داشته‌اند، از مراسم تدفین آیت‌الله مصباح‌یزدی نیز همان استفاده را کرده‌اند. عکس‌های منتشرشده از مراسم نشان می‌دهد که پیش از شروع مراسم تشییع و در جلوی درِ مصلی قم، طوماری نصب شده بود که در آن خواستار محاکمه رئیس‌جمهور روحانی، علی لاریجانی، رئیس مجلس سابق و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، برای تلاش‌شان در زمینه توافق برجام بودند. این اقدام تندروها در حالی صورت می‌گیرد که حوزه علمیه قم در سوگ یکی از چهره‌های شاخص و بزرگان خود است. به نظر می‌رسد تندروها برای محقق‌کردن اهداف خود از هر فرصتی بهره می‌گیرند؛ تندروهایی که هزینه زیادی را به نظام و کشور تحمیل می‌کنند. درحالی‌که پرونده استیضاح روحانی در مجلس اصولگرای یازدهم بسته شده، اما حدود یک ماه قبل، پوستری منتشر شد که نشان می‌داد گروهی در قم قصد دارند بار دیگر مسئله «استیضاح رئیس‌جمهوری» را به فضای سیاسی بازگردانند؛ پوستری که درخواست «استیضاح رئیس‌جمهوری» را مطالبه‌ای مردمی مطرح کرده و خبر از برگزاری «پیاده‌روی اعتراضی» از مسجد جمکران تا حرم حضرت معصومه(س) می‌داد که مخالفان سرسخت قم‌نشین دولت برای پنجشنبه ششم آذر از ساعت ۹ صبح ترتیب داده بودند. بعد هم فیلم‌هایی از یک تجمع منتشر شد که برادر علیرضا پناهیان، واعظ مشهور، در حال تهییج مردم در جنگ با آمریکا بود و می‌گفت مسئولان از جنگ با آمریکا می‌ترسند، اما ما نمی‌ترسیم. دو سال پیش در فیضیه قم تجمع کرده و روحانی را به خفه‌کردن در استخر فرح تهدید کردند؛ این‌بار اما پای دو نفر دیگر را هم به ماجرا اضافه کرده‌اند؛ ظریف و لاریجانی. به نظر می‌رسد تمرکز دوباره تندروها بر این دو نفر، بدون ارتباط با شایعه‌های سیاسی انتخاباتی نباشد. شایعه آمدن لاریجانی یا ظریف برای انتخابات ۱۴۰۰ گویا بخشی از جریان اصولگرایی را به وحشت انداخته است؛ تا جایی که هم‌زمان شاهد حملات افشاگری درباره پرونده نزدیکان آملی‌لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در شبکه‌های اجتماعی هستیم. شعار علیه روحانی، ظریف و به‌ویژه لاریجانی در مراسم تشییع رئیس مؤسسه امام خمینی یادآور نتیجه گزارش تحقیق‌وتفحص مجلس نهم از ماجرای حمله به لاریجانی در بهمن سال ۹۱ است؛ گزارشی که قرائت آن به‌صورت کامل در صحن به مصلحت دیده نشد، اما متن گزارش حاکی از این بود که سرمنشأ آن حملات، به افرادی در مؤسسه امام خمینی بازمی‌گردد. مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی، چندی پیش در پاسخ به این پرسش که چرا هر اقدام تند و افراطی را که خاصه در قم صورت می‌گیرد به طیف آیت‌الله مصباح ربط می‌دهند، آیا واقعا چنین چیزی صحت دارد یا برخی تندروی‌ها به اسم این طیف تمام می‌شود؟ گفته بود: می‌شود گفت که هر دو وجه درست است؛ هم منتسب به آقای مصباح هستند، هم سوءاستفاده می‌کنند. نمی‌توان میزان آن را دقیق گفت، ولی هر دو هست. این بیماری باید در قم ریشه‌کن شود. قم باید به هویت اصلی خودش برگردد. همه آزادانه حرف خود را بزنند، همه تحمل کنند و اگر لازم شد رد هم بکنند. حیات علم و جامعه به نقد و رد است؛ یعنی شما حرف بزنی، من جواب بدهم و رد کنم و ادامه پیدا کند. همدیگر را تحمل کنیم. درگذشت آیت‌الله مصباح‌یزدی یک حاشیه دیگر هم داشت و آن اینکه با وجود گذشت بیش از سه روز از انتشار خبر درگذشت آیت‌الله، محمود احمدی‌نژاد تاکنون هیچ پیام تسلیتی خطاب به بیت مصباح‌یزدی منتشر نکرده است. این در حالی است که برخی رسانه‌ها هفته گذشته از عیادت محمود احمدی‌نژاد از پدر معنوی دوران ریاست‌جمهوری اولش خبر داده بودند؛ خبری که بلافاصله با واکنش تند برخی اصولگرایان و رسانه‌های منتسب به آنها روبه‌رو شد. آیت‌الله مصباح‌یزدی زمانی حامی قدیمی و سخت محمود احمدی‌نژاد بود و حتی تعابیری عجیب درباره او به کار برده بود، اما بعدها بر سر حواشی حلقه اطرافیان احمدی‌نژاد، به‌ویژه اسفندیار رحیم‌مشایی، رابطه حامیانه آیت‌الله در بهت و حیرت قطع شد. این بهت را از میان تعاریف خود آیت‌الله مصباح می‌شد فهمید که از عبارات جادو و سحرشدن برای احمدی‌نژاد استفاده کرده بود و اینکه چطور او حاضر شده همه حامیانش را به قیمت حمایت از یک نفر کنار بگذارد. گفته شد که حتی تلاش‌های غلامحسین الهام و همسرش فاطمه رجبی، نویسنده کتاب معجزه هزاره سوم درباره احمدی‌نژاد، برای پادرمیانی میان این دو نفر نیز به جایی نرسید و هیچ‌کدام حاضر به دیدار مجدد یکدیگر نشدند. آیت‌الله مصباح در سخنانی گفت: «اقدامات احمدی‌نژاد را تأیید نمی‌کنم و در او یک حالت انحرافی می‌بینم». مرحوم محمدنبی حبیبی، دبیرکل وقت حزب مؤتلفه اسلامی نیز اردیبهشت سال ۹۱ گفت: «آیت‌الله مصباح درخصوص قهر رئیس‌جمهوری در سال گذشته فرموده بودند که اگر حمایت از آقای احمدی‌نژاد مستلزم ترویج مشایی شود، حمایت از احمدی‌نژاد حرام است».

چرا برخی نگران تصویب FATF هستند؟

محسن رضایی: از دولت خواسته‌ایم به سؤالات درباره FATF پاسخ دهد

شرق: با نزدیک‌شدن به زمان تصمیم‌گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام، مخالفان پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی همچنان بر مواضع خود پافشاری می‌کنند و امیدوار هستند این‌گونه ایران را همچنان در لیست سیاه نگه دارند. اینکه ماندن ایران در لیست سیاه و گشایش‌نیافتن مراودات تجاری با دنیا چه سودی برای مخالفان دارد، خیلی مشخص نیست؛ اما اینکه مخالفت‌ها جنبه سیاسی دارد یا منافع اقتصادی، برای گروهی خاص بسیار مطرح شده است.

محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، پیش از ظهر روز گذشته در جمع خبرنگاران با اشاره به آخرین وضعیت بررسی FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: رئیس‌جمهور به‌تازگی از رهبری خواستند که مجمع تشخیص مدت‌زمان بررسی این طرح را بیشتر کند. او با بیان اینکه ابهامات زیادی در FATF وجود دارد، افزود: باید نظرات کارشناسان مختلف دراین‌باره را بررسی کنیم و به تصمیم درستی برسیم. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: از دولتی‌ها خواستیم به سؤالات مجمع درباره FATF پاسخ دهند تا ابهامات ما برطرف شود و فعلا در حال بررسی آن هستیم.

اوایل هفته نیز مصباحی‌مقدم که در انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبایی صحبت می‌کرد، گفت: می‌گویند کسانی که خودشان دچار پول‌شویی هستند، نمی‌خواهند مبارزه با پول‌شویی دنبال بشود و از این نظر دو کنوانسیون پالرمو و CFT تصویب نشده است. درصورتی‌که قانون مبارزه با پول‌شویی در سال ۸۶ تصویب شده و دارد اجرائی می‌شود. او اظهار کرد: ما سالانه ۴۰ میلیارد دلار واردات و ۴۰ میلیارد دلار صادرات داریم. این موارد چطور انجام شده است؟ این موارد رسمی نیست؛ اما اگر به این دو کنوانسیون ملحق می‌شدیم، دیگر هیچ کاری نمی‌توانستیم انجام دهیم و حتی این مبادلات هم انجام نمی‌شد.

دراین‌میان بهارستانی‌ها هم به‌دنبال بررسی مجدد لوایح هستند؛ البته این موضوع دیگر در حوزه اختیارات نمایندگان مجلس نیست؛ زیرا در مجلس دهم این لوایح تصویب شده‌اند.

در همین زمینه علی خضریان، سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، به فارس گفته بود: با توجه به اهمیت این لوایح، کمیسیون اصل ۹۰ به این موضوع که مرتبط با امنیت اقتصادی است، ورود می‌کند. او ادامه داد: نظرات و مستندات تمام بدنه کارشناسی دولت درباره دو لایحه CFT و پالرمو (الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم و مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی) جمع‌بندی می‌شود تا نتیجه کارشناسی حاصل آید. این نماینده مجلس با بیان اینکه درحال‌حاضر دو سناریو درباره تحریم‌ها وجود دارد، گفت: سناریوی حفظ وضع موجود و بقای تحریم‌ها به لحاظ کمّی و کیفی مطرح است که در این سناریو ایران راهی به جز دورزدن تحریم‌ها و خنثی‌سازی آن ندارد. او افزود: سناریوی بعدی توافق با آمریکا و احیای برجام است که برخی افراد به این سناریو توجه می‌کنند و اصرار برای تصویب FATF در این بخش تعریف می‌شود. در این سناریو به‌دلیل حفظ شاکله و ساختار تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران و وجود ریسک همکاری با ایران به‌دلایل مختلف، تغییر خاصی در وضعیت بانکی ایران ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین سناریوی دوم برداشت نادرست است؛ چراکه ویژگی جدید و مهم تحریم‌های آمریکا در دوره ترامپ علیه ایران این است که تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای با یکدیگر درهم‌تنیده است؛ یعنی حتی در صورت بازگشت به برجام بانک مرکزی، صنعت نفت و کشتی‌رانی ایران تحت تحریم‌های تروریستی آمریکا باقی می‌ماند.

ادامه در صفحه ۳

خبر

رئیس‌جمهوری:

۶۰ میلیون نفر از حمایت معیشتی برخوردارند

● **ایسنا:** حجت‌الاسلام حسن روحانی در جلسه شورای فناوری اطلاعات گفت: «با الکترونیکی‌شدن بخش سلامت، هم مردم در رفاه قرار می‌گیرند و هم مراکز درمانی راحت‌تر خدمت را ارائه می‌کنند و هم پول را راحت‌تر دریافت می‌کنند». رئیس‌جمهوری ادامه داد: «در بخش سلامت همه اقداماتی که لازم است، باید تا پایان سال این اقدامات انجام شود و تا ۲۰ اسفند خدماتی که در بخش سلامت ارائه می‌شود، به‌صورت الکترونیک ارائه و تکمیل شود تا مردم در رفاه بیشتری قرار بگیرند». او با اشاره به بررسی موضوع رفاه مردم در این نشست و تصویب مقرراتی درباره آن، گفت: برخی بخش‌ها و اقشار نیازمند حمایت هستند که البته این حمایت به طرق مختلف مانند یارانه سال‌هاست انجام می‌شود». روحانی با یادآوری اینکه حمایت‌های معیشتی که از سال ۹۸ شروع شد و ادامه دارد، افزود: «البته افرادی که خیلی نیازمند نبودند، در این سامانه قرار نگرفتند اما امروز ۶۰ میلیون نفر از حمایت معیشتی برخوردارند. حتی در دوره کرونا در ماه‌های اخیر هم دولت در ستاد کرونا و هم نمایندگان در مجلس به این نتیجه رسیدند که اقشاری نیاز به حمایت دارند. هماهنگی بین این دو مصوبه دولت و مجلس نیاز بود که این هماهنگی را انجام دادیم».

رئیس دستگاه قضا:

راهبرد خنثی‌سازی تحریم‌ها جواب خواهد داد

● آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه ایجادکردن داعش، القاعده و گروهک‌های تکفیری را نمادهایی از توسعه وحشی‌گری در عالم از سوی دشمنان دانست و گفت: «وحشی‌گری‌ها و جنایاتی که داعشی‌ها در منطقه مرتکب آن شدند، توسط شهیدان سلیمانی، المهندس و دیگر مجاهدان این عرصه پایان پذیرفت تا ان‌شاءالله زمینه برای تمدن نوین اسلامی هرچه بیشتر فراهم شود».

به گزارش «میزان»، رئیس قوه قضائیه در ادامه با اشاره به راهپیمایی گسترده روز گذشته مردم در عراق گفت: «آنچه روز گذشته مردم عراق در میدان التحریر فریاد زدند، فریاد اخراج آمریکایی‌ها بود که هم مجلس عراق آن را تصویب کرده است و هم مسئولان و مردم عراق مصمم هستند که این مهم هرچه زودتر انجام شود».

آیت‌الله رئیسی با بیان اینکه مردم عراق با تمام وجود خواستار گرفتن انتقام شهادت حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و اخراج آمریکایی‌ها از کشورشان هستند، تصریح کرد: «داغ شهادت شهید سلیمانی و ابومهدی و دیگر شهدای جبهه مقاومت و همچنین روحیه مطالبه‌گری و انتقام‌جویی از آمریکا و پیگیری اخراج آنها از منطقه، هرگز به سردی نمی‌گراید».

رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه خداوند متعال آن بیداری و بیدارگری را که در خون شهدای کربلا قرار داد بود، در خون مطهر حاج قاسم سلیمانی هم قرار داده است، تصریح کرد: «امروز نه‌فقط مردم منطقه ما، بلکه همه مردم جهان، حاج قاسم سلیمانی را به‌عنوان نماد امنیت‌ساز و مبارزه با تروریسم در منطقه می‌شناسند و این سؤال جدی وجود دارد که چرا کسانی که مدعی حقوق بشر و مبارزه با تروریسم هستند، نماد مبارزه با تروریسم در عالم را ترور می‌کنند؟».

او درباره تولید واکسن کرونا در ایران هم گفت: «در وهله اول باید از مقام معظم رهبری تشکر کنم که این میدان را به ستاد اجرائی فرمان امام(ره) و پژوهشگران و دانشمندان دادند تا آنها جلوه‌ای از «ما می‌توانیم» را به منصه‌ظهور برسانند... امروز در میان ناباوری بسیاری از افراد در جهان، پزشکان، پژوهشگران و دانشمندان ایران اسلامی موفق به تولید واکسن کرونا شدند و هم‌اکنون شاهد هستیم که عده زیادی برای تست واکسن کرونا در نوبت هستند». رئیس قوه قضائیه تأکید کرد: «این آمادگی‌ها نشان‌دهنده این است که ما هم نسبت به کار ایرانی اعتماد داریم و هم حاضریم تن خود را در این کار بگذاریم تا جان مردم را نجات بدهیم».

رئیس قوه قضائیه با اشاره به راهبرد خنثی‌سازی تحریم‌ها گفت: «باید تمام کسانی که در حوزه‌های پولی و مالی، تولید، واردات و صادرات فعالیت می‌کنند، بدانند راهبرد خنثی‌سازی تحریم‌ها، راهبردی است که جواب داده و جواب خواهد داد». آیت‌الله رئیسی با تأکید بر این نکته که سخن‌گفتن از مذاکره با پیمان‌شکنان و پالس‌های این‌چنینی، سخن ملت ایران نیست، افزود: «بهترین کار و اقدام برای ناامید و مأیوس‌کردن دشمن، صرفا پایبندی به داشته‌ها و نیروهای جوان و برومند و فرهیخته خودمان است».

رئیس قوه قضائیه راهکار برون‌رفت از مشکلات در کشور را توجه به جهش تولید و اقتصاد مقاومتی و تولید واکسن و ماسک برای مقابله با کرونا دانست و با اشاره به مشکلات کشور در روزهای اول شیوع کرونا در زمینه کمبود ماسک گفت: «امروز ما نه‌فقط تولیدکننده ماسک، بلکه صادرکننده این کالا به دنیا هستیم».